

جهانی شدن و چالش‌های فرهنگی

بخش دوم

مهری همت‌یار

اشاره

واژه جهانی‌شدن از دهه ۱۹۶۰ میلادی کاربرد یافته و فرایند آن، عرصه‌های گوناگون و به‌ویژه حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ را به شدت تحت‌تأثیر قرار داده است.

در بخش قبلی این مقاله، ضمن آشنایی با مفاهیم کلی ناظر بر جهانی‌شدن، به بررسی سیر تطور و دگرگشت مفاهیم واژه‌های مربوط پرداختیم و به اینجا رسیدیم که جهانی‌شدن، با نوگرایی و توسعه سرمایه‌داری همزمان بوده، لیکن اخیراً شتاب یافته است.

در این بخش به جایگاه فرهنگ در فرایند جهانی‌شدن می‌پردازیم.

بانک و اقتصاد

فرهنگ

فرهنگ عبارت است از پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل‌انتقال به نسل‌های بعدی می‌باشد^(۶).

اگرچه بنا بر برخی تفسیرها، جهانی‌شدن عمدتاً دارای ماهیت اقتصادی است، اما جنبه‌های سیاسی و فرهنگی آن نیز واجداهمیت فراوانند. درواقع، جهانی‌شدن فرایند عامی است که ابعاد مختلف حیات انسانی را دربرمی‌گیرد؛ و با نمودهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، تکنولوژیکی، محیطی و اجتماعی همراه است.

در حوزه فرهنگ، تأثیرات جهانی‌شدن بسیار چشمگیر و قابل‌تأمل به‌نظر می‌رسد. در تاریخ انسان، همواره مراودات فرهنگی فراوان وجود داشته است. مذاهب بزرگ همواره فراملی و جهانی بوده‌اند، و دعوت

به یک جامعه جهانی واحد می‌کرده‌اند، اما آنچه امروزه بیشتر مطرح است، همانا رواج و گسترش فرهنگ و ارزش‌های غربی به عنوان ارزش‌های جهانی است، چرا که انقلاب الکترونیک و رشد سریع وسایل ارتباطی، رسانه‌های جمعی و ماهواره و اینترنت، و نیز گسترش توریسم، امکان جهانی‌شدن فرهنگ‌ها را فراهم کرده‌اند، اما در این میان، خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های غیرغربی و سنتی در مقایسه با فرهنگ غربی، امکانات بسیار اندکی دارند و همین امر آنان را در جنگی نابرابر قرار داده و سرنوشتی مبهم را پیش روی آنان گذاشته است.

در شرایط استقرار سرمایه‌داری در مقیاسی جهانی، شرکت‌های فراملی که در همه جا حضور دارند و در عین حال، گویی در هیچ کجا نیستند، در بازاری جهانی فعالیت می‌کنند. از اینرو، مرزهای ملی هر روز کمتر می‌شوند.

طبیعی که در کشت و زرع به کار می‌رفت، تعمیم یافت و در مورد فراگرد توسعه انسانی نیز به کار برده شد. تا اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم، فرهنگ با این دو معنا رواج داشت. سپس فرهنگ معنای آغازین را که خصلتی عملی داشت، پشت سر نهاد و به سوی معنای استعاره‌ای سیر کرد. واژه فرهنگ تحول پیچیده‌ای را هم در تاریخ مدرن تجربه کرد. این تحول، و استعمال فرهنگ در معنایی پوشیده و پنهان، به تدریج در زبان‌های اروپایی به وقوع پیوسته است. پیچیدگی تحول و کاربرد مدرن این واژه را نمی‌توان از نظر دور داشت. به یک اعتبار این واژه همچنان در همان معنای مادی هم به کار می‌رود^(۷). از معنای مادی که بگذریم، فرهنگ در معنای انتزاعی خود سه کاربرد عمده پیدا می‌کند:

(۱) به‌صورت یک‌اسم مستقل و انتزاعی که فراگرد عام رشدفکری، معنوی و زیبایی‌شناسانه را می‌نمایاند؛
(۲) آن که کاربردی عام یا خاص پیدا می‌کند که معرف روش زندگی معینی است (در یک گروه، مردم، دوره یا بشریت به‌طورکلی)؛

(۳) توصیف آثار و تجربیات فکری که به‌ویژه فعالیت‌های هنری را هدف می‌گیرد.
امروزه بسیاری از فعالیت‌های هنری را با فرهنگ مترادف می‌گیرند و وز ارتخانه‌هایی در جهان به اسم وزارت فرهنگ برپا شده‌اند که بسته به مورد و کشور، فعالیت‌های مختلفی را به نام فرهنگ و هنر سازمان می‌دهند.

دگرگونی‌های پدیدآمده در مفهوم فرهنگ - به‌ویژه بر اثر گسترش نظام آموزشی و رسانه‌های همگانی یا

یکسان‌سازی فرهنگی است، البته نه به عنوان یک هدف، بلکه به‌عنوان ابزاری که در خدمت سرمایه‌داری جهانی قرار می‌گیرد. سرمایه‌داری جهانی برای بقا و حیات خویش نیازمند مصرف جوامع و یکسانی و افزایش آن است. در پاسخ به این نیاز هم باید فرهنگ مصرف و یا به‌طور کلی، فرهنگ جوامع تغییر کند و در این راستا است که دگرگونی ارزش‌ها ضرورت می‌یابد. اصول و ارزش‌های ملی و فرهنگی باید جای خود را به ارزش‌هایی بدهند که مصرف تولیدات سرمایه‌داری جهانی را نه تنها تضمین و تایید کنند که آن را لازمه حیات انسان و علامت رشد و توسعه و پیشرفت تلقی نمایند.

طراحان و حامیان جهانی‌شدن، توفیق خود را در بهره‌وری هرچه بیشتر از محصولات جهانی و متعاقب آن، همچنین، سهم‌خواهی از منابع کشورهای در حال رشد و همگرایی فرهنگی هرچه بیشتر عملی نموده‌اند که با تضعیف باورها و نگرش‌های مذهبی و هویت ملی، به‌ویژه در بین نوجوانان و جوانان کشورهای مختلف، بالاخص جوامع اسلامی همراه بوده و با همه قوای فرهنگی و رسانه‌های فراگیر و پر قدرت جهانی خود - ولو به قیمت اعتیاد الکترونیکی و وابستگی روانی جوانان جامعه - اجرا خواهند نمود.

در فرایند جهانی‌شدن، بسیاری از کشورهای جهان با چالش‌های روانی و فرهنگی شایان توجهی روبرو می‌شوند که بعضاً می‌تواند وحدت و همبستگی ملی آنان را تهدید نماید.

یکی از چالش‌های فرهنگی که بیشتر کشورهای در حال توسعه با آن مواجه می‌باشند، تضعیف احساس خود ارزشمندی، ترویج خودباختگی فرهنگی و ترغیب بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های دینی و فرهنگ ملی توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اینترنتی مغرب‌زمین در بین جوانان است. همه تلاش بر آن است که در فرایند جهانی‌شدن وزودن ارزش‌های فرهنگی، کم‌رنگ شدن دلبستگی و هویت خانوادگی، هویت و احساس خودارزشمندی ملی و دینی جوانان دچار بحران شود و بی‌اشتهایی روانی برپیکره شخصیت ایشان حاکم گردد.

ادامه دارد

زیر نویس‌ها

(۶) انوری، حسن / فرهنگ فشرده سخن / چاپ اول / انتشارات سخن / ۱۳۸۲ / صفحه ۱۶۵۲.
(۷) چغندرقد: Sugar-Beet Culture؛ کشت میکرب: Germ Culture؛ و...

به بی‌اثر شدن فرهنگ‌ها یاری رساند. به عبارتی، فرهنگ‌های ملی بر اثر جهانی‌شدن ممکن است تثبیت شوند و یا این که ناگهان ناسازگار تلقی گردند. جهانی‌شدن موجب نوسان نیروهای همگون‌کننده و هم متفاوت‌کننده است، به‌گونه‌ای که امر "محلی" و "جهانی" با یکدیگر تلاقی می‌کنند و امتزاج می‌یابند. شاید این گزاره درست باشد که فرایندهای جهانی‌شدن دنیا را کوچکتر می‌سازند و شکل‌های نوینی از آمیختگی فرهنگی را به‌وجود می‌آورند، اما این فرایندها باعث تلاقی و تعارض راه‌های مختلف معنادار کردن جهان نیز می‌شوند.



② هدف نهایی جهانی‌سازی، یکسان‌سازی فرهنگی است، البته نه به‌عنوان یک هدف، بلکه به‌عنوان ابزاری که در خدمت سرمایه‌داری جهانی قرار می‌گیرد.

جهانی‌شدن و چالش‌های فرهنگی

جهانی‌شدن یک فرایند روبه‌گسترش است که همه عرصه‌ها (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) را دربر گرفته و تمامی کشورهای جهان را به‌گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم درگیر نموده است. مفهوم جهانی‌شدن یک پدیده چندبعدی است و بدون تردید آثار قهری آن قابل‌تسری به همه فعالیت‌های اقتصادی، فناوری، سیاسی، حقوقی، اجتماعی و به‌ویژه فرهنگی جوامع بشری خواهد بود. پیامدهای سیاسی و فرهنگی جهانی‌شدن، آنچنان محسوس و شایان توجه است که اندیشیدن به پدیده جهانی‌شدن، بدون در نظر گرفتن ابعاد سیاسی و به‌ویژه فرهنگی آن، نمی‌تواند امری معقول و منطقی باشد.

جهانی‌سازی که متحدالشکل نمودن جهان را در دستور کار خود دارد، به پی‌افکندن و ترویج فرهنگ جهانی تمایل دارد تا از این طریق، بتواند زمینه مصرف بیشتر تولیدات مروجان آن، یعنی شرکت‌های چندملیتی را فراهم نماید. هدف نهایی جهانی‌سازی،

روند جهانی‌شدن - در نهایت دوستداران مسایل حوزه فرهنگ را در برابر وظایف تازه‌ای قرار داده است. با توجه به این دگرگونی‌ها، گرچه به یک اعتبار می‌توان گفت محتوا و هیات فرهنگ تغییر می‌یابد؛ با این وصف، رنگ‌ورو نمی‌بازد و از میان نمی‌رود.

کارکرد ویژه فرهنگ، آفرینش و نگاهداری تداوم و همبستگی میان افراد یک جامعه معین است. اصطلاحاتی همچون باورهای مشترک، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و معیارها و همچنین الگوهای رفتار اغلب در همین چارچوب به کار می‌روند. اصطلاح فرهنگ معرف خصلت مشترک چنین پدیده‌هایی است.

هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را شکل می‌دهد و می‌سازد. انسان نسبت به پیرامونش واکنش‌های متفاوت نشان می‌دهد. بنابراین، انسان‌هایی که در موقعیت‌های متفاوت قرار می‌گیرند، واکنش‌های متفاوت نسبت به پیرامون خود نشان می‌دهند و همین واکنش‌ها هنگامی که در طول زمان از استمرار برخوردار شود، ویژگی‌ها و خصوصیات یک فرهنگ را می‌سازد و آن را از فرهنگ‌ها (= واکنش‌ها)ی دیگر متمایز می‌سازد.

جهانی‌شدن و فرهنگ

جهانی‌شدن عبارت است از استقرار سرمایه‌داری در مقیاسی جهانی. در چنین نظام اقتصادی‌ای، شرکت‌های فراملی که در همه جا حضور دارند و در عین حال، گویی در هیچ‌کجا نیستند، در بازاری جهانی فعالیت می‌کنند؛ از اینرو، مرزهای ملی هر روز کم‌اهمیت‌تر می‌شوند.

جهانی‌شدن همچنین اصطلاحی است برای توصیف آنچه "انقباض زمان و مکان" نام گرفته است. به سخن دیگر، منظور از جهانی‌شدن این است که جهان به‌ظاهر در حال کوچک شدن می‌باشد. جهانی‌شدن همچنین اصطلاحی است برای توصیف تحرک روزافزون انسان‌ها در سطحی جهانی. جهانی‌شدن هم می‌تواند صحه گذاشتن بر فرهنگ‌های محلی را تقویت کند و هم این‌که می‌تواند

اگرچه بنا بر برخی تفاسیرها،

جهانی‌شدن عمدتاً دارای ماهیت اقتصادی

است، اما جنبه‌های سیاسی و فرهنگی آن

نیز واجد اهمیت فراوانند.